



نوشته های سیاسی

از نگاه فریدون ایل ییگی

آوردن این مطالب نه به معنای تائید دست و نه « تبلیغ » و نه ... تنها برای خواندنست و ...

## فریدون ایل ییگی : اسلام بر بستر چه شرایط تاریخی بوجود آمد؟

(مروری در کتاب « محمد » اثر ماکسیم رودنسون) [ 1 ]





<http://rouzaneha.org>

روزانه ها

# اندیشه رهایی

نشریه خارج از کشور سازمان وحدت کمونیستی  
شماره ۲ مهر ۱۳۶۳

## پیشگفتار

شورای ملی مقاومت ، تنها آلترناتیو دموکراتیک ؟

۲ - بررسی یک ادعا و نکاتی پیرامون منابع ساختاری تعلق دموکراسی بورژوازی در ایران  
ملاحظات در باره انترناسیونال سوم و مسئله شرق

۱ - انقلاب اخیر تا پایان کنگره اول

کردستان در درازنای شب

یک داستان

از «راه کارگر» تا «سازمان کارگران انقلابی ایران»

حصد چهار یا هفت حزب نوده

چند شعر

مباحثی پیرامون ساختار و ماهیت جامعه شوروی

۲ - پاسخ مندل به سوئزی : چرا بوروکراسی شوروی طبقه حاکم نوینی نیست ؟

چهره اپوزیسیون در آینه

جست طیفی در «سپه» پاریس ؟

در یاره دین

۱ - مروری در کتاب «محمد» اثر ماکسیم رودنسون

ف . انگلس : پروتو ناتر و مسیحیت اولیه



http://rouzaneha.org

روزانه ها

## دوباره دین

### مروری در کتاب «محمد» اثر ماکسیم رودنسون

همسپاسی



ماکسیم رودنسون (Maxime Rodinson)، مارکسیست است ولی از جمله مارکسیست هائی که از سال ۶۰ به بعد (بعد از کنگره ۲۰ حزب کمونیست شوروی) از حزب کمونیست فرانسه کناره گرفته اند.

ماکسیم رودنسون، یهودی الاصل است ولی در مقابل جنایات رژیم غاصب و نژاد پرست اسرائیل از مردم ستند دیده فلسطین دفاع کرده است. کتاب مقالات و مقالات زیادی در این زمینه نوشته است که از جمله می توان کتاب های زیر را ذکر کرد:

- "اسرائیل و نفی اعراب"، انتشارات Seuil (سوی)، پاریس، ۱۹۶۸.
- "اسرائیل، دولت غاصب استعمارگر"، انتشارات Monad، نیویورک، ۱۹۷۳.
- "مردم اسرائیل یا مسئله اسرائیل؟"، انتشارات ماسپرو، پاریس، ۱۹۸۱.
- ماکسیم رودنسون، جامعه شناس، شرق شناس مارکسیست و استاد زبان های قدیم سامی در سوربن است. بخش اعظم آثار او، از چهل سال پیش به این طرف به اسلام، کشورهای عربی، زبان و فرهنگ عرب اختصاص یافته است. در این زمینه از جمله می توان کتاب های زیر را نام برد:
- تلك آثارنا (اعمال ما)، انتشارات "دارالمکشف"، بیروت، ۱۹۴۳.
- "عربستان قبل از اسلام"، دو جلد، گالیپار، پاریس، ۱۹۵۷.
- "ماه در نزد اعراب و در اسلام" (کتابی درباره ماه، افسانه ها و رسوم مربوط به آن)، انتشارات "سوی"، پاریس، ۱۹۶۲.



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

— "سامی ها و الفباء"، "خط عربستان جنوبی و حبشه"، "جهان اسلامی و توسعه خط عربی"، ۱۹۶۳، انتشارات Armand Colin، پاریس، ۱۹۶۳.

— "اسلام و سرمایه داری"، انتشارات "سوی"، پاریس، ۱۹۶۶.

— "جادو، طب و تملک در کوندار" (کوندار، شهری در حبشه و پایتخت این کشور در قرون ۱۵ تا ۱۹ میلادی)، انتشارات Mouton, Paris-La Haye، ۱۹۶۷.

— "مارکسیسم و جهان مسلمان"، انتشارات "سوی"، ۱۹۷۲.

— "جهان مسلمان و محدودیت های آن" (۱۹۷۲-۱۹۴۰)، مقالات چاپ شده در لوموند بعد از سال ۱۹۴۵)، انتشارات P.U.F.، پاریس، ۱۹۷۳.

— "تصویر غرب از اسلام و مطالعات غربی درباره اسلام" (یا میراث اسلام)، از انتشارات Clarendon، اکسفورد، ۱۹۷۴.

— "افسونگری اسلام"، انتشارات ماسپرو، پاریس، ۱۹۸۰.

و بالاخره: کتاب "محمد" که از این شماره نگاهی به آن خواهیم انداخت. این کتاب که حاوی زندگی نامه (بیوگرافی) پیغمبر اسلام است، در سال ۱۹۶۱ توسط انتشارات "سوی"، برای اولین بار انتشار یافت و دوباره، در سال های ۶۷ و ۷۵، تجدید چاپ شد (ترجمه انگلیسی آن در لندن و نیویورک به ترتیب توسط انتشارات Allen Lane و Pantheon Bookes، در ۱۹۷۱ منتشر شد).

مؤلف در پیشگفتار چاپ دوم کتاب می نویسد که در فاصله بین دو چاپ، هم بدنبال مطالعه آثار جدیدی که در این زمینه نوشته شد، هم بدلیل ملاحظات و مشاهدات شخصی خود در بازبینی مجدد کتاب و هم بر اثر انتقادات، راهنمایی ها و پیشنهادات بسیاری که بدنبال چاپ اول کتاب ارائه شد (و نویسنده نام تعدادی از آن ها را — که از جمله اسلام شناسان معروف اروپائی اند — بعنوان "استادان و دوستان" خود ذکر می کند)، ناگزیر گردید، بی آن که کل کتاب را مجدداً به نگرش در آورد، دگرگونی های اساسی، مبنی بر جرح و تعدیلات و نیز ملحقیات متعدد، بر آن وارد کند. و در چاپ سوم، بگفته نویسنده، علاوه بر اصلاح اشتباهات چاپی، چیزی جز اندک تغییرات و تصحیحات بر آن، نیفزوده است. باری، منبع بررسی ما طی چند شماره، متن اصلی کتاب "محمد" (چاپ سوم، انتشارات "سوی" است) این کتاب، ۳۷۹ صفحه دارد. علاوه بر مقدمه های نویسنده بر چاپ های دوم و سوم، فهرست کلمات عربی و نام های اشخاص و گروه های



http://rouzaneha.org

روزانه ها

قومی"، "شجره نامه محمد"، "نقشه عربستان در زمان محمد"، "کتابشناسی فشرده" (حاوی فهرست مهمترین بیوگرافی های محمد - و ابراز نظر مختصر نویسنده درباره هر يك - به زبان های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، عربی و غیره)، دارای فصل های زیر است :

- ۱- معرفی يك جهان
- ۲- معرفی يك سرزمین
- ۳- تولد يك پیغمبر
- ۴- تولد يك فرقه
- ۵- پیغمبر مسلح
- ۶- تولد يك دولت
- ۷- پیروزی بر مرگ



قبل از این که به بررسی کتاب "محمد" بپردازیم، چند نکته را لازمست توضیح دهیم :

۱- هدف مقالات مربوط به کتاب "محمد"، نقل مطالب جالب و مهم آنست نه ترجمه به معنای اخص و همه جانبه کلمه. منظور ارائه بخش هایی (بخش های مهمی) از کتاب است، نه تمامی آن. جز در مواردی که عباراتی را در داخل گیومه نقل می کنیم، باقی موارد را باید در حد نقل مفاهیم یا ترجمه آزاد تلقی کرد. با این که موارد اخیر الذکر نیز چیزی بیش از "نقل مفاهیم" و "ترجمه آزاد" و بسیار نزدیک به ترجمه به معنای واقعی کلمه است، با این حال خود ترجیح می دهیم که تمام "ترجمه" بر آن ننهیم تا مرز این کار - با هدفی مشخص - و کارهای دیگر - با هدفی متفاوت ( نظیر ترجمه مقالات انگلس که مترجمان آن هر معادل را با دقت و وسواس خاص انتخاب می کنند ) - ، مخدوش نگردد.

۲- انتخاب کتاب "محمد" ماکسیم رود نسون بدین دلیل است که شاید وزین ترین و جدی ترین اثریست که درباره زندگی پیغمبر اسلام نوشته شده است. منظور این بیان البته این نیست که ما با تمامی مطالب مندرج در این کتاب موافقیم. هدف این مقالات عمدتاً معرفی این کتاب است، نه نقد آن. ضرورت این امر بطور



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

واقعی موقعی احساس خواهد شد که ترجمه متن کامل آن به فارسی منتشر شود (امید - واریم که ترجمه این کتاب با ارزش توسط مترجمان ایرانی انجام شود) . با این همه ، در همین بررسی ، گاهی مجبور شده ایم که به پاره ای از کمبود های کتاب و یا به برخی از ارزیابی ها و قضاوت های نویسنده در مورد اسلام و محمد ( که بنظر ما نادرست می نمود ) ، اشاره کنیم .

۳- در انتخاب مطالب کتاب ، گاهی چندین صفحه را بطور کامل یا نسبتا کامل ( یا حذف برخی عبارات ) نقل می کنیم و گاهی چندین صفحه را در يك یا دو پاراگراف کوتاه ارائه می دهیم . مورد اخیر الذکر عمدتا به دو دلیل زیر صورت می گیرد :

**الف -** نکات ارائه شده در این صفحات ، برای بررسی کنونی ما ، یا دارای اهمیت اساسی نیستند و یا ، بنظر ما ، حاوی نکات نادرست و ارزیابی های غیر دقیق اند .  
**ب -** مهمترین دلیلش ، همان طوری که قبلا نیز گفته ایم ، هدف ما ترجمه متن کامل کتاب نیست بلکه معرفی آن و ارائه خلاصه و گزیده ای از مباحث مهم و بویژه نکات جالب و اساسی آنست .

۴- ما با این که چاپ اول کتاب " محمد " را ندیده ایم ولی بطوری که نویسنده در مقدمه چاپ دوم آن اشاره می کند بدنبال پیشنهادات و راهنمایی های " استادان و دوستان " اسلام شناس خود ، تعدیلاتی در چاپ های بعدی کتاب خود به عمل آورده است ، باز به نوعی که در آن مقدمه متذکر می شود این تغییرات در جهت " تعدیل " به معنای واقعی ، در ارزیابی های و قضاوت های او در مورد اسلام و محمد است . مضافا در فاصله بین چاپ اول و چاپ دوم کتاب ، بطوری که از مقدمه نویسنده بر چاپ دوم مستفاد می شود ، بنظر می رسد که در این فاصله ، بنوعی تحول فلسفی در نویسنده بوجود آمده است بدین مفهوم که :

" وقایع این سال های اخیر و جریانات شخصی مرا در مورد استمرار ایدئولوژی ها و جنبش هایی با پایه ایدئولوژیک به فکر واداشتم است " ( مقدمه چاپ دوم ، صفحه ۱۱ ) .

بسیار خوب . به فکر فرورفتن ها ، زیر و رو کردن ها ، حتی مورد سؤال قرار دادن هر اندیشه فلسفی ، فی نفسه چیز بدی نیست ، حتی بسیار خوب است ، جزا - لازم و حیاتی قانون تکامل است . هر چیز " لایزال " ، ناپویای و منجمد ، محکوم به مرگ است . اما به يك شرط و با يك آرزو ، که واقعا که در جهت تکامل باشد .



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

نه بازگشت به عقب . مثلا از مارکس می توان به هگل رجعت کرد ، به این شرط که واقعاً بتوان هر دو را پشت سر گذاشت ورنه ، اعلام ورشکستگی فکری است . . . در این جا ، بحث ما کلی است که از چهار جوب کتاب " محمد " و " تحولات فلسفی " رود نسون بسیار فراتر می رود . امید داریم که در این سلسله مقالات ، فرصت بازگشت به این بحث را پیدا کنیم .

۵- ماکسیم رود نسون در کتاب " محمد " ( و اصولاً در کلیه آثار خود ) ، شیوه برخورد ویژه ای دارد . درست یا نادرست بودن شیوه برخورد او می تواند مورد بحث باشد . کمی توضیح بدهیم : ماکسیم رود نسون خود را دوست اعراب و مسلمانان می داند و در نتیجه ، همواره می کوشد به نوعی بنویسد که احساسات مذهبی اعراب را جریحه دار نکند یعنی حتی در نوشته های انتقادی خود ( مانند همین کتاب " محمد " ) ، از برخورد رویارویی خشن با آن به نوعی اجتناب می کند . قبل از این که به روی يك حقیقت علمی یا واقعیت تاریخی انگشت گذارد پیشاپیش از مسلمانان عذر می خواهد و تأکید می کند که قصد اهانت به اعتقادات مذهبی آن ها را ندارد . این شیوه برخورد در حالتی که ریاکارانه و غالباً زانه نباشد ( در مورد ماکسیم رود نسون چنین نیست ) ، حقایق علمی و واقعیت های تاریخی را زیر پا نگذارد ( که رود نسون چنین نمی کند ) بنظر ما هم می تواند درست باشد و هم نادرست . دقیق تر این که در شرایطی می تواند درست باشد و در مواردی نادرست ( ۱ ) . نباید از یاد برد که رود نسون يك محقق اروپائی است و در نتیجه مانند هر محقق اروپائی دیگر که در باره اسلام چیز بنویسد ، نه صد البته در " فرهنگ " آخوندی بلکه بطور کلی در هر " فرهنگ " انسان ساز اسلامی می تواند به لقب " نوکر استعمار " مفتخر گردد . علاوه بر این رود نسون بر خلاف بسیاری از اسلام شناسان دیگر اروپائی ، " محاسن " دیگری هم دارد : مارکسیست است ، بقول خودش " آتد " و علاوه بر همه این ها ، یهودی الاصل است . مثلا وقتی طارق عزیز بخاطر اسمش ( یوحنا ) ، " صهیونیست " باشد ، ماکسیم رود نسون یهودی الاصل در " منطق " آخوندی ( و نیز اسلامی ) ، خلیفه

۱- رفقای سازمان در شماره ۵ " رهائی " ( تیرماه ۶۳ ) ، این بحث را بخوبی گسترش داده اند و در چند مورد در آن مقاله از جمله در زیر نویس ۲۸ آن . به شیوه یا شیوه های درست برخورد کمونیست ها ( بویژه کمونیست های ایرانی ) نسبت به دین ( اسلام ) اشاره کرده اند .



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

راحت تر می تواند " صهیونیست " باشد . با این تفصیل، می توان مشکلات محققانی مانند رود نسون را که می خواهد درباره اسلام چیز بنویسد بخوبی درک کرد . و نیز احتیاط شاید بیش از حد او را . علاوه بر این ها ، او می خواهد پیام خود را منتقل کند . " حسن " یا " عیب " کتاب " محمد " رود نسون در قالب تند و خشن و کوبنده آن نیست ، ارزش آن در محتوای تند و خشن و کوبنده آنست . او در این کتاب با تکیه به قرآن و متن اصلی " معتبرترین " احادیث ( منسوب به رفتار و کلام پیغمبر اسلام ) ، بسیاری از مهم ترین دگم های اساسی و افسانه های رایج حتی در نزد " مترقی " ترین نیروهای اسلامی در مورد اسلام و قرآن و محمد را فرو می ریزد . با این همه ، باید توجه داشت و یک لحظه فراموش نکرد که کتاب رود نسون از جمله غیر مفروضانه ترین و شاید محتاط ترین کتابیست که درباره زندگی محمد نوشته شده است . ولی بد بیاری اسلام ( یا هر دینی دیگر ) ، در اینست : وقتی يك محقق پای بند به متد علمی تحقیق ، بخواهد ابعاد مختلف يك شخصیت تاریخی و مذهبی مانند محمد را تصویر کند ، هر قدر هم " بی غرض " ، " منصف " ، " دارای حسن نیت " و " محتاط " باشد ، نمی تواند دروغ های بی پایه ، افسانه های ساخته و پرداخته شده و خرافات را بعنوان حقایق علمی و وقایع تاریخی قبول کند . نمی تواند درباره يك دین ، يك پیغمبر و پیشوایان يك دین و کتاب آسمانی آن تحقیق کند و در عین حال ، با تمام بی غرضی ، انصاف ، احتیاط و حسن نیت عالم ، مطمئن باشد که به " اعتقادات " یا به باورهای بی پایه پیروان آن دین ، " توهین " روا نداشته است .

6- ماکسیم رود نسون از چهل سال پیش به این طرف ، تقریباً تمامی آثار خود را به اسلام و مسلمانان و ملل عرب ، خط و زبان و فرهنگ عرب و یا در رابطه با آن ها ، اختصاص داده است . در تمام مقاطع حساس بدفاع از اعراب و فلسطینی ها برخاسته است . با جنبش های عربی یا اسلامی همدردی و گاهی اشتیاق وافر نشان داده است . ما هنوز مقالات متعدد ماکسیم رود نسون در دوره قبل از انقلاب بهمن و ماه های پس از آن در روزنامه های فرانسوی بویژه لوموند در دفاع پر شور از " جنبش اسلامی ایران " و شخص خمینی را فراموش نکرده ایم . حتی يك سال بعد از قیام ، در سال ۸۰ ، وقتی که نقاب از چهره حاکمان اسلامی فرو افتاد و طشت رسوائی رژیم قرون وسطائی شان به بام چهار گوشه جهان نواخته شد ،





http://rouzaneha.org

روزانه ها

رود نسون مقاله ای نوشت تحت عنوان "اسلام، عامل محافظه کاری یا پیشرفت؟" (۲). او در این مقاله نه تنها ارتجاعی بودن اسلام بلکه حتی محافظه کار بودن آنسرا رد کرد ( خوشبختانه به اسلام بعنوان "عامل پیشرفت" صحه نگذاشت و یا بیجاچاندن مسئله از زاویه ای خاص، به آن مسئله نپرداخت ) .

حتی امروز پس از نا امید شدن از "اسلام مترقی" خمینی به "اسلام مترقی" مجاهدین رو کرده است . در سخنرانی های آن ها شرکت می کند ، اعلامیه هایشان را امضاء می کند ، در راه پیمائی آن ها شخصا حضور می یابد .

بنابراین ، با توجه به آنچه گذشت ، نمی توان گفت که ما کتابی را برای معرفی انتخاب کرده ایم که توسط " دشمن " اسلام ، محمد ، قرآن ، اعراب و مسلمین نوشته شده است . و این تهمت شاید کمتر از هر نویسنده دیگر خارجی ( از میسان نویسندگان بیشماری که در باره زندگی محمد کتاب نوشته اند ) ، به ماکسیم رود نسون می چسبند .

با این حال ، همین نویسنده ، با تفکر و متدولوژی علمی ، با بررسی تطبیقی اسناد و مدارک تاریخی کم و بیش معتبر موجود ، در باره زندگی و شخصیت پیغمبر اسلام به قضاوت می نشیند ، وقتی که زندگی محمد را با توجه به توالی علل و معلول ، قدم به قدم از کودکی ( از اوان کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و به دایه های ناشناس بنام حلیمه سپرده شد ) تا جوانی به همراه فقر و محرومیت ها ، در سبندی و سرگردانی ها را دنبال می کند ، وقتی که بعد از ازدواج با خدیجه ، علی رغم برخورداری از رفاه مادی ، عقده های جنسی و روانی - از جمله " ابتر " بودن ( ۳ ) -

۲- مراجعه کنید به نشریه "Pouvoirs" ، پاریس ، شماره ۱۲ ، بهار ۸۰ ( چاپ دوم ، ۱۹۸۲ ) . حاوی مجموعه ای از نوشته های اسلام شناسان و آشنایان به مسائل کشورهای اسلامی ، تحت عنوان " رژیم های اسلامی " .

۳- مترجمان فارسی قرآن ، " ابتر " را معمولاً " دم بریده " بودن معنا می کنند ولی بطوری کسه رود نسون در کتاب خود بد رستی اشاره می کند " ابتر " در زبان عربی ، بویژه در عصر محمد ، به معنای فرزند ذکور نداشتن ، بی نسل بودن و در یک کلمه ، ناقص الخلقه بودن معنا داشت . " ابتر " بودن ننگی بزرگ بود و مایه سرشکستگی . یک مرد " ابتر " همه جا انگشت نما بسود . " ابتر " بودن ، یکی از مشغله های مهم ذهنی محمد بود و به وخیم تر شدن حالت روانی نامتعادل او کمک می کرد . بی دلیل نیست که یکی از اولین سوره های " نازل " شده در مکه ،



http://rouzaneha.org

روزانه ها

او را تحلیل می کند ، نمی تواند به این نتیجه نرسد که محمد در پشت ظاهری عاقل و ملایم و متعادل ، مردی عصبی ، شب آلود ، مضطرب ، تحقیر شده ، جاه طلب و بلند پرواز مخفی بوده است و این حالات روانی غالباً تا حد بحران های شدید عصبی — به مفهوم بالینی عبارت — پیش می رفته و در يك کلمه ، اگر مبتلا به مرض صرع بودن محمد (به گفته برخی از شرح حال نویسان او) را هم باور نکنیم، لااقل از نظر روانی نامتعادل و بیمار بوده است . نویسنده وقتی به مسئله وحی و نزول سوره ها از طرف خدا و غیره می رسد ، نمی تواند به پیشرفت های روانشناسی روانکاوی ( بعد از فروید ) ، به نقش ضمیر ناخود آگاه در برخی از حالات روحی نظیر خلسه ، توجه نکند ، نمی تواند با توجه به مشخصات روانی محمد ، شباهت های عجیب پسیکوفیزیولوژیک او را با کاهنان ( ۴ ) زمانش در عربستان و یا با عارفان و صوفیان ، نادیده بگیرد . حتی نحوه تماس کاهنان و محمد با عالم غیب ، در مورد صداهائی که می شنوند و چیزهائی که می بینند ، با هم شبیه است . کاهنان نیز مانند محمد به غار می رفتند و از وحشت در زیر عبا مخفی میشدند . حتی شکل عباراتی که از عالم غیب به گوششان می رسید ، به هم شباهت دارند : عبارات کوتاه ، شرکم و بیش آهنگین . البته رود نسون به يك تفاوت بسیار مهم بین محمد و کاهنان زمسان او اشاره می کند : با این همه " محمد يك کاهن نبود . شتر های گم شده را پیدا نمی کرد ، خواب ها را تفسیر نمی کرد " ( ص ۸۳ ) ، " محمد صد ذرع برتر از این — به همین امر اختصاص دارد . در سوره کوثر ، خدا محمد را — یا محمد خودش را — دلسداری می دهد : إن شانئك هو الابتر — [نه تو] بدرستی که دشمن تو ابتر ( ناقص الخلقه ) است . باید توجه داشت که بحث فوق مربوط به دوره جوانی و نیز آغاز پیغمبری محمد است ( زمانی که این سوره گویا بر محمد نازل شده است ) . البته بعدها محمد و فرزند ذکور از خدیجه ( بنام های قاسم و عبدالله ) و يك فرزند ذکور از کنیزی مصری یافت که هیچ يك زنده نماند . به هر تقدیر ، این امر ، چیزی از بحثی که در زمینه " ابتر " بودن محمد در فوق مطرح کرده ایم ، تغییر نمی دهد . " ابتر " بودن همچنان بعنوان يك مسئله محمد باقی ماند .

۴ — کاهنان ، کنش های مسیحی و یهودی بودند که در زمان محمد ( و از مدت ها قبل از او ) در عربستان زندگی می کردند و تا حدی به رمال ها ، دعا نویس ها ، جن گیر ها و در اویسش و صوفیان خودمان شباهت داشتند . کاهنان می گفتند که با عالم غیب ، با ماوراء الطبیعه ، با دنیای ارواح ، با جهان الهی ارتباط دارند ، چیزهائی را می بینند که دیگران قسماً در بدیدشان نیستند ، چیزهائی را می شنوند که گوش های عادی از شنیدن آن ها عاجز است .



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

کاهنان بیچاره ای بود که به ایفاء نقشی مبادرت می کردند که بطور سنتی برای آدم هائی از سرشت آن ها ذخیره شده بود. (ص ۱۰۹)

محمد بلند پروازتر و جاه طلب تر از آن بود که به ششریایی و تعبیری حواب گوئی بپردازد. محمد کینه نوزتر از آن بود که يك عمر تحقیر شدگی را فراموش کند و از سران قریش انتقام بگیرد. محمد نه ها نقشه کوچک و بزرگ در سر داشت. همه این ها و نیز به بسیاری مطالب دیگر از جمله به محمد بسیار متفاوت بعد از کسب قدرت، به تفاوت ها و بی رحمی هایش، به دروغ پردازی هایش، به حیله و نیرنگ هایش، به روحیه سازشکارانه اش به ماکاویلیسم رقت انگیزش، بسبب شہوت پرستی های بی حد و مرز و بیمار گونه اش و غیره: در شماره های آینده خواهیم رسید فعلا با همین مقدمات، کتاب "محمد"، اثر ماکسیم رود نسون را می گشاییم.

## پیشگفتار

صفحات ۱۹-۱۱

در آغاز، نظری به پیشگفتار نویسنده می اندازیم. این امر از این بابت اهمیت دارد که با شیوه بررسی و تحقیق او از نزدیک آشنا می شویم.

رود نسون می نویسد که تعداد بیشماری زندگی نامه پیغمبر اسلام در دست است که بسیاری از آن ها در سالیان اخیر نگارش یافته اند. در میان شان زندگی نامه های منصفانه وجود دارد، زندگی نامه های عالی هم وجود دارد. و اضافه می کند:

"قدر مسلم، من هیچ امر جدیدی را ارائه نمی دهم. وانگهی، انجام آن مشکل خواهد بود، چرا که هیچ منبع جدیدی کشف نشده و کم محتمل است که بتواند کشف شود. منابع اصلی، بد شاست که کاملاً شناخته شده، جمع آوری گردیده، انتشار یافته، مورد تحلیل قرار گرفته، با هم مقابله شده اند. این کاریست که خوب انجام پذیرفته. چیزی جز اصلاحات جزئی نمی توان به آن افزود."

آنگاه، این سؤال را مطرح می کند:

"پس بکار دیگر همان سرگذشت را تعریف کردن چه فایده دارد؟"

دلایل این امر را بطور خلاصه شرح زیر عنوان می کند:

۱- هر نسل، بر پایه وقایع پیشین، تاریخ را نویسد و نگاه تازه ای بر آن می اندازد.



http://rouzaneha.org

روزانه ها

۲- لازم است تکامل اجتماعی در آن دوره یعنی عصر محمد را از نظر دور نداشت (۵) .  
 ۳- اصلاح ارزیابی های جانبدارانه، کتاب های پیشین در باره محمد (هـ) و دسته، چه آن هائی که به زندگی محمد بدون هیچ دید انتقادی نگریسته اند و به تکرار افسانه ها بعنوان واقعیت های تاریخی دلخوش کرده اند، چه کسانی که نقد علمی و تحقیق تاریخی را تا مرز اتهام و تحریف به پیش رانده اند ( و نشان دادن هر چیز بجای خود ) .

۴- تلفیق جدل های کنونی در زمینه، توضیح يك زندگی از طریق دنبال کردن سرگذشت فرد مورد نظر در کودکی و جوانی اش و از طریق گزینش محیط نمونه (Micro milieu) ، با مباحث مارکسیستی در زمینه، علیت اجتماعی زندگی نامه های فردی .

رود نسون در پیشگفتار کتاب می نویسد که در کتاب "محمد" کوشیده است هم روایت گر باشد و هم توضیح دهنده . و علت این امر را چنین ذکر می کند :

" همچنین خواسته ام اثری ارائه دهم که قابل خواندن یعنی بخش اعظمش بصورت حکایت باشد . این کار مخاطراتی در بر دارد . يك زندگی نامه محمد که جز وقایع مسلم و تردید ناپذیر و با اطمینان ریاضی چیز دیگری را ذکر نکند ، هم در چند صفحه محدود خواهد ماند و هم به نحو موحشی خشک و بی روح خواهد بود . حال آن که این امکان وجود دارد که به این زندگی ، تصویری محتمل و گاهی بسیار محتمل ارائه داد . اما برای این کار باید داده هائی را که از منابع استخراج شده اند - منابعی که در مورد حقیقت داشتن شان تضمین های ناچیزی داریم - ، بکار گرفت " .

و در مورد منابع مورد بحث چنین توضیح می دهد :

۵- هر چند خود نویسنده اشاره می کند که قبل از او، و " مونتگمری وات ، " اثر درخشانی برای این پایه بنا کرده است . اشاره او به دو کتاب وات است :

W.Montgomery Watt, Muhamad at Mecca, oxford, clarendon press, 1953 ,  
 Muhamad at Medina, ibid, 1956.

مشخصات ترجمه فرانسوی آن ها چنین است :

Mahomet à la Mecque, Paris, Payot, 1958, Mahomet à la Médine, ibid ,  
 1959.



## روزانه ها

http://rouzaneha.org

این منابع چندان مورد اعتماد نیستند ، از وقایع بسیار دورند .  
 قدیمی ترین متونی که درباره زندگی پیامبر در اختیار داریم سه  
 قریب صد و بیست و پنجسال بعد از مرگ او مربوط می شوند ، کمی  
 کمتر از زمانی که ما را از مرگ ناپلئون جدا می کند . البته این متون ،  
 منابعی قدیمی تر (اکثر اشفاهی) را ذکر می کنند و مدعی اند که  
 به زمان شاهدان عینی حوادث می رسند . ولی بویژه  
 گلدزیهر (I. Goldziher) و شاخت (J. Schacht) نشان  
 داده اند که چرا نباید به این "احادیث" اعتماد چندانی  
 داشت . بسیاری از آن ها - مؤلفان مسلمان هم می دانند - ،  
 بدین منظور ساخته و پرداخته یا لااقل سر و سامان داده شده اند  
 تا در خدمت يك حزب ، يك هدف ، يك خانواده ، يك تزبکوار  
 گرفته شوند . چگونه می توان آن هائی که واقعی اند و آن هائی که  
 واقعی نیستند را از هم تفکیک کرد و حقیقی را از ساختگی تمیز داد ؟ هیچ  
 معیاری که غیر قابل اعتراض باشد ، وجود ندارد . ساخت و پرداخت  
 کنندگان احادیث ، قریحه مسلم ادبی داشته اند . به ابداعات  
 خود ، این خصلت زنده ، راحت ، خودمانی - که جذابیت شان  
 را می سازد - ، ارائه می دادند . این دیالوگ های پر جنب و جوش ،  
 این جزئیاتی که تمامی يك امر زیسته را به همراه دارند ، این  
 اصطلاحات مکالمه ای و این بذله گوئی های گیرا ، همه غالباً حاکی  
 از استعداد ادبی اند تا اصالت تاریخی . نویسندگان احادیث ،  
 این همه را با واژه های کهنه و قدیمی - به چنگ آمده از فرهنگ هسا  
 و یا طی پرس و جوهای واقعی مردم شناسانه در ارتباط با مردمی  
 که در قرون هشتم و نهم میلادی در صحاری می زیستند - ، بسزک  
 می کردند . هیچ چیز این امکان را هرگز در اختیار ما قرار نمی دهد  
 که بگوئیم : این یکی بی تردید به زمان پیغمبر مربوط می شود .

در چنین وضعی چکار باید کرد ؟ باید از نوشتن زندگی نامه محمد چشم پوشید؟  
 نویسنده ضمن طرح این سؤال ، خود پاسخ می دهد :

"پس باید کوششی نا امید کننده را رها کرد و از نگارش این



http://rouzaneha.org

روزانه ها

زندگی نامه چشم پوشید و حتی مانند فلان مؤلف شوروی، از افسانه محمد سخن گفتم؟ گمان نمی‌کنم. برای ما قرآن باقی می‌ماند، هر چند کاربردش بسیار دشوار است و غالباً به معما شباهت دارد و برای این که از نظر توالی تاریخی به نظم درآید، کاری طولانی و نامطمئن را طلب می‌کند.

ولی با این همه، نظر نویسندگان کتاب اینست که قرآن دارای "پایه محکمی است، اصالت دارد".

بنا بر این، نویسندگان مبنای کار تحقیقی خود را بر اساس قرآن، بر اساس آن بخش از احادیثی قرار می‌دهد که با قرآن در انطباق بوده و یا با "تصاویری که ما برای خود شکل داده ایم"، خوانائی داشته باشد. با این همه متذکر می‌شود: "یکبار برای همیشه باید تذکر داد که این داده‌های بکار برده شده، تمامی مشکوک‌اند. من غالباً عباراتی مانند "از آن جا که بنظر می‌رسد"، "گفته می‌شود"، "بنابر آنچه بعدها تعریف کرده‌اند" و غیره را بکار برده‌ام. می‌بایست این گونه عبارات را فراوان تر بکار می‌بردیم. وانگهی، در این راه، کاری جز پیروی از نمونه واقع‌نگاران عرب نکرده‌ام که به هنگام نقل احادیث متواتر، بجای نتیجه‌گیری، عاقلانه می‌نویسند: "ولی خدا دانا تر است".

و خطاب به خوانندگان مسلمان کتاب خود می‌گوید:

"دلم می‌خواهد که از خوانندگان فرهنگ مسلمان درخواست کنم همین که نکته‌ای، که بنظر خودشان، کاملاً تأیید شده یا پذیرفته شده توسط تاریخ را ملاحظه کردند که در این جا مورد تردید قرار گرفته یا رد شده است، شتاب زده فریاد بی‌اطلاعی یا سوء نیت سر ندهند. در مورد تاریخ رومی یا تاریخ تورات و انجیلی هم، برخورد علمی زمانی آغاز شده است که یک امر فقط وقتی پذیرفته می‌شود که منبع آن، قابل اعتماد بود و فقط در حدی پذیرفته می‌شد که قابل اعتماد بود".

و اضافه می‌کند که این امر محققان اروپایی را بر آن داشت تا وقایع بیشتری را که تا آن زمان - تا عصر ماقبل انتقادی نسبت به مسیحیت - ، بعنوان وقایع تاریخی



## روزانه ها <http://rouzaneha.org>

مسلم و تردید ناپذیر جلوه می‌کرد و یا جلوه داده می‌شد، کنار بزنند و آن هسسا را در زمره افسانه‌ها طبقه بندی کنند. نویسندگانه توضیح می‌دهد که برخورد علمی نسبت به دین اسلام توسط محققان اروپائی را نباید به "کلونالیسم" و "اروپا مرکز نگری" نسبت داد. چرا که محققان اروپائی، مدت‌ها قبل از این که این برخورد را نسبت به دین اسلام متوجه کنند، نسبت به دین خودشان، مسیحیت، کرده‌اند. و در ادامه همین بحث می‌نویسد:

"شاید برخی این احساس خشنودی مویانه را داشته‌اند که با این کار، خلق‌های غیر اروپائی را از افسانه‌های دلخوش‌کنانه‌شان محروم کنند. ولی این جهت‌گیری روانی رقت‌انگیز، به اصل برخورد انتقادی نسبت به منابع اصلی که توقع عمومی علم است، صدمه نمی‌زند. هرگاه من بطور صریح یا غیر صریح، این یا آن روایت پذیرفته شده از یک امر را بدور ریخته‌ام، این کار هیچگاه بدون دلیل جدی نبوده است. نقد اروپائی شاید در برخی مسووار مرتکب خطا شده باشد ولی برای نقد کردن آن باید آن را قبلاً مورد مطالعه قرار داد و بر اساس همان پایه [علمی] آن را رد کرد." بعنوان "آخرین تذکر" و "آخرین دفاع" از خود می‌نویسد که من در این کتاب، بنیانگذار یک دین و مردی را مورد مطالعه قرار داده‌ام که "لا اقل در بخش مهمی از زندگی اش، عمیقاً و صادقانه مذهبی بوده است". در این حال، ممکن است گفته شود که "من، یک آته، نمی‌توانم او را درک کنم". نویسندگانه به این ایراد پیشاپیش چنین جواب می‌دهد: "یک آته"، در صورتی که "هرگونه تحقیر، هرگونه عبارت پردازی، هرگونه احساس برتری را کنار بگذارد"، می‌تواند یک شعور مذهبی را درک کند:

"لا اقل در همان حدی که یک ناقد هنری می‌تواند یک نقاش را، یک مرد بالغ یک کودک را، یک انسان تندرست یک بیمار (یا برعکس) را، یک مورخ گوشه گیر یک بازرگان را درک کند."

در باره کتاب خود و قهرمان آن "محمد" می‌نویسد:

"من اطمینان دارم که یک انسان مذهبی، به نوع دیگری قهرمانان ما را درک خواهد کرد. آیا بهتر؟ نمی‌توان مطمئن بود."

ادامه دارد



خانه

قلم ها

[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)

پیوندها

روزانه ها

<http://rouzaneha.org>

اسلام برپستو چه شرایط تاریخی بوجود آمد؟ (1)

<http://rouzaneha.org>

روزانه ها



از نگاه فریدون ایل بیگی

[info@rouzaneha.org](mailto:info@rouzaneha.org)